



ابعاد سه گانه ذکر و یاد پروردگار / قساوت قلب بدترین عقوبت برای انسان

ذکر عملي و نفسي تنها وسیله ارتقا به مدارج عالیة انسانیت است و این ذکر است که بنده را در پیشگاه مالک جهان هستی مقرب می سازد و از نزدیکان دربار الهی به شمار می آورد.

ذکر عملي و نفسي تنها وسیله ارتقا به مدارج عالیة انسانیت است و این ذکر است که بنده را در پیشگاه مالک جهان هستی مقرب می سازد و از نزدیکان دربار الهی به شمار می آورد. به گزارش خبرگزاری مهر، خداوند متعال در آیه 23 سوره طه می فرماید: و من اعرض عن ذکرې فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة اعمی؛ و هر کس از یاد من اعراض کند همانا در دنیا معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا محسور کنیم.

ذکر به معنی یاد است و در قرآن نیز به همین معنی آمده است، "فذكر" یعنی پیامبر به آنان یاد آور باش. ذکر بر چندین نوع است که خلاصه اش را در سه نوع می توان به شمار آورد: اول، ذکر لسانی؛ دوم، ذکر قلبی و سوم ذکر عملي که این را "ذکر نفسي" هم گفته اند.

تاکید اذکار مختلفه به وسیله نام های مقدس حضرت حق در کتب عرفا و علمای سیر و سلوک ضبط شده است، البته هر اسمی از اسماء حسنی تاثیر خاصی دارد. طالب علم و معرفت "یا عالم، یا علیم" می گوید، آن که غنا و ثروت می خواهد "یا غنی، یا معطی، یا کریم" را ورد زبان می کند. مریض و رنجور "یا معافی، یا شافی" و مظلوم به ذکر "یا عادل، یا حکیم، یا قاهر، یا مقتدر" و برای نشاط روح و تصفیه باطن "لا اله الا الله و یا حی، یا قیوم" بسیار مناسب است و برای غالب حاجت ها صلوات معجزه می کند.

ذکر لسانی بدون توجه نفس بلا اثر و بی نتیجه است و ذاکر را به مقصد نمی رساند، شخص ذاکر هرگاه صد هزار بار یا کریم و یا غنی گوید و مرامش غنی و ثروت باشد، اما دل وی به حضرت غنی مطلق و متوسل نباشد و با توجهش به سوی فلان و بهمان باشد توفیق نخواهد یافت، کسی که به ذکر تسبیحات اربعه مشغول است، اما از عظمت حضرت حق غافل است و قلبش به زینت و جلال دنیا مشغول می باشد حتما به مقامی نخواهد رسید.

از همه موثرتر ذکر عملي است، یعنی در گفتار و کردار و پندار همواره باید مراقب خویش باشیم و حق را فراموش نکنیم تا همیشه رهبر و رهنما و ناصر و معین ما باشد، یعنی رضای محبوب را بر میل خود و رضای ماسوی ترجیح دهیم، چنانکه همین رمز خوشبختی از معصوم (ع) وارد است.

عمده ترین ذکرې که بنده را به مولا و مخلوق را به خالق نزدیک می کند و او را از مقربان درگاه او می سازد "ذکر نفسي یا عملي" است، یعنی ذکر لسانی و ذکر قلبی بدون عمل و کردار و ترجیح رضای پروردگار بی فایده و بدون اثر است. مثلا "سبحان ربی العظیم و بحمده" می گوئیم و قلبا نیز به عظمت حضرت عظیم اعتراف می نماییم، اما نیت اطاعت نداریم و مرتکب معاصی می شویم.

اقدام به معصیت با ذکر ما مخالف است و طبعاً از تاثیر آن هم مانع است. ذکر عملي و نفسي تنها وسیله ارتقا به مدارج عالیة انسانیت است و این ذکر است که بنده را در پیشگاه مالک جهان هستی مقرب می سازد و از نزدیکان دربار الهی به شمار می آورد.

کسانی که به یاد پروردگار هستند عملاً مطیع اوامر خدا هستند. واژه اطاعت همان انقیاد و تسلیم بودن در مقابل جمیع اوامر حق و اطاعت بدون قید و شرط از خدا و پیامبر (ص) است. با دستورات قرآن و ائمه می توان به معارف الهی و بینش درباره نظام خلقت راه پیدا کرد و همیشه به یاد خدا بود و به قرب بیشتری نسبت به پروردگار دست یافت، و اگر از یاد خدا عملاً دور ماندیم قطعاً گرفتار سختی ها و دشواری های زندگی خواهیم شد.

دوری از خدا مستوجب عقوبتهایی است که در این باره روایت هایی از امام باقر (ع) نقل شده است. پروردگار عقوبت هایی برای دلها و بدنهای مردم دارد و اعقاب الهی که به بدنهای می رسد همان تنگی در معیشت و زندگی است. تنگی در معیشت مقصود آن نیست که انسان کم پول بدست آورد، چرا که ممکن است کسی پول زیاد داشته باشد، ولی زندگی بر او تنگ باشد، یعنی همیشه در حال اضطراب و نگرانی بسر برد. وقتی کارها به آسانی انجام نپذیرد قطعاً آن معیشت "ضنک" است. ممکن است در خانه همه گونه نعمت باشد ولی آدمی بیمار باشد نتواند بهره برد.

پس دوری از یاد خدا و در آغوش گناه به سر بردن این عوارض را دارد و اثر گناه موجب تنگی در زندگی است. سستی در عبادت و یاد خدا عقوباتی است که بر قلب می رسد. بزرگترین عقوبات همان قساوت قلب است که دل تیره و تاریک می شود. هیچ بیماری خطرناک تر از قساوت قلب نیست، زیرا چنین دلی هیچ گاه به یاد خدا نیست و هیچ نصیحتی را نمی پذیرد و راه اصلاح را تشخیص نمی دهد جهنمی سوزان در خود ایجاد می کند چنین آدمی خیرخواه هیچ بشری نیست.

در نتیجه باید گفت ذکر عملی و یا نفسی است که تنها وسیله ارتقا به مدارج عالی انسانیت را برای بشر فراهم می آورد و ای بسا ذکر یعنی عمل به اخلاق انسانیت و سرکوب نفس اماره حتی بدون ذکر لسانی و ذکر قلبی هم تاثیر نیکی می بخشد و در دنیا و آخرت وی را از کیفر وضعی و انتقام حضرت منتقم نسبت به معصیت های دیگر برهاند.